

مؤسسه مطالعات بین‌المللی مالزی^۱

مقاله حاضر ذخایر دریای خزر، خطوط لوله مطرح، ویژگی‌ها و ضعف‌های آنها از لحاظ اقتصادی، امنیتی، مسافت و مسایل زیست‌محیطی مربوط به دریای خزر، مدیترانه، تنگه بسفر، دریای سیاه و آبراه ولگا-دن را بررسی نموده سپس به این نتیجه می‌رسد که در عین منطقی بودن تنوع در خطوط لوله، خطوط لوله انتقالی از مسیر ایران به غرب به مقصد اروپا و جنوب به مقصد خلیج فارس کوتاهترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیرهای مطرح است. به رغم ویژگی‌های منحصر به فرد مسیر ایران تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران مانع فعالیت شرکت‌های نفتی بین‌المللی به‌ویژه آمریکایی در ایران و متعاقباً توسعه انرژی و اقتصادی در حال سکون و رکود کشورهای منطقه دریای خزر می‌شود. برای رفع این موانع راهکار تشکیل یک ائتلاف فراگیر از شرکت‌های فعال به‌ویژه نفتی آمریکایی و بین‌المللی جهت متقاعد ساختن دولتمردان آمریکایی به تعدیل و نهایتاً لغو تحریم‌ها علیه ایران که به نفع توسعه اقتصاد جهانی به‌ویژه ایالات متحده و کشورهای منطقه بسته دریای خزر است را پیش روی دست‌اندرکاران آمریکایی و بین‌المللی فعال در اقتصاد این منطقه می‌گذارد.

الف) سناریو

برای تأمین هدف این پروژه از نقش فرضی معاون یک شرکت ساختگی به نام شرکت نفت ایالات متحده بهره‌گرفته شده است. شرکت نفت ایالات متحده در چندین پروژه نفت و گاز در زمینه خزر سرمایه‌گذاری کرده است. این شرکت علاقه‌مند به توسعه خط لوله‌ای که نفت و گاز خزر را به دنیای صنعتی انتقال دهد می‌باشد. در نظر شرکت نفت ایالات متحده، بهترین انتخاب برای احداث خط لوله مسیر خلیج فارس است. اگرچه، سیاست ایالات متحده، شرکت‌های آمریکایی را از تجارت با ایران منع می‌کند تلاش جهت طراحی یک استراتژی برای دولت ایالات متحده به‌منظور تغییر در

1. Institute of International Studies' www.commercialdiplomacy.org. مؤسسه مطالعات بین‌المللی مالزی متخصص پیرامون خط‌مشی تجاری، نهادی غیردولتی می‌باشد. این مقاله توسط آقای علی اصغر امین‌شکروی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

سیاست خارجی و احداث یک خط لوله از مسیر ایران قسمتی از دستور کار را تشکیل می‌دهد. استراتژی سرمایه‌گذاری بر این واقعیت بنا نهاده شده که ایالات متحده و ایران در حال حاضر واقع‌گرایی متقابل را پیش‌رو دارند و تغییر و اصلاح در روابطشان خصوصاً برای اهداف استراتژیک در منطقه دریای خزر مؤثر می‌باشد.

ب) خلاصه اجرایی

استراتژی ترغیب دولت ایالات متحده برای شناسایی مسیر ایران به منزله بهترین مسیر انتقال نفت و گاز خزر برای بازارهای جهانی.

طرح مسأله: شرکت نفت ایالات متحده خواهان شرکت در احداث مسیر دیگری از خط لوله نفت و گاز می‌باشد زیرا ایالات متحده تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه‌ای علیه ایران (ایران - لیبی یا ایلسا^۱) اعمال کرده است. سیاستهای نفتی ایالات متحده شرکت در احداث خط لوله از مسیر ایران را منع می‌کند.

موضوعات: موضوع اولیه صنعت نفت ایالات متحده متقاعد کردن دولت ایالات متحده برای حمایت از احداث خط لوله ایران و اصلاح کردن طرح تحریم ایران و لیبی برای اجازه دادن به شرکتها جهت شرکت در پروژه خط لوله از مسیر ایران می‌باشد. اعتقاد بر این است که منطقه خزر دارنده حدود ۲۰۰-۱۰۰ میلیارد بشکه نفت خام و ظرفیت منابع بیشتر از این مقدار است. توسعه موفق این منطقه غنی به موارد زیر بستگی دارد: نقل و انتقال، مسایل حقوقی مربوط به حقوق دارایی ملی، مسایل سیاست امنیتی منطقه، ملاحظات زیست محیطی، مسایل مالی و تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران. منطقه دریای خزر به‌طور رایج فاقد ظرفیت لازم خط لوله صادراتی است. دست‌اندرکاران نفتی ایالات متحده و دیگران در امر ایجاد تسهیلات جهت صادرات منابع انرژی به بازارهای نفتی گوناگون جهان امیدوارند. فعالان نفتی ایالات متحده پشتیبان ساخت خطوط لوله‌ای که از هر دو جهت امنیت محیطی و صرفه اقتصادی برخوردار باشد، هستند. حداقل ۹ یا ۱۰ خط لوله مفروض می‌باشد که در حال حاضر بعضی از

1. ILSA

آنها در دست احداث هستند که دارای ویژگی‌ها و ضعف‌هایی هستند. بعضی از این خطوط لوله متضمن سرمایه‌گذاری عظیم، و عبور از سرزمینهای بی‌ثبات می‌باشد و بعضی دیگر هم از نظر زیست‌محیطی پُر مخاطره هستند.

انتخاب مسیر ایران امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر موجود و احداث آن نیازمند کوتاهترین جدول زمانی می‌باشد. این مسیر از مسایل سیاسی به‌دور است و در معرض هیچ مخاطره زیست‌محیطی نیست. به‌علاوه، خط لوله از مسیر ایران جهت انتقال نفت به خلیج فارس به نسبت مدیترانه ضروری‌تر است زیرا انتقال منابع به بازارهای آسیایی به دلیل رشد بازار مصرف آن در سالهای پیش‌رو ضروری می‌باشد. سرمایه‌گذاری برای خط لوله از مسیر ایران بیشتر از گزینه‌های جانشین دیگر به صنعت نفت ایالات متحده اجازه انتقال اقتصادی را خواهد داد و باعث حفظ میلیون‌ها دلار سود آن می‌شود. انتخاب خط لوله از مسیر ایران موجد بیشترین برگشت سرمایه می‌شود.

ایالات متحده نباید مسیر ایران را نادیده بگیرد. خط لوله از مسیر ایران انتخاب امن‌تر و از نظر تجاری ماندگار و قابل رشد و منطقی‌ترین مسیر است. اخیراً بیشتر دولتهای منطقه مدعی شده‌اند بعضی از موضعگیری‌ها و عملکردهای آنها از نظر سیاسی پتانسیل لازم برای لغو قانون تحریم‌ها به‌ویژه تحریم یکجانبه ایران - لیبی (ILSA) برای پروژه‌های نفتی ایالات متحده را داراست.

استراتژی پیشنهادی: استراتژی شرکتهای نفتی ایالات متحده شامل هر دو طرح عملی در سطح داخلی و بین‌المللی برای پیگیری حمایت از انتخاب خط لوله از مسیر ایران و در درازمدت برای تغییر سیاستهای آن علیه ایران می‌باشد.

استراتژی داخلی: استراتژی ایجاد ائتلاف - ائتلاف برای توسعه انرژی خزر (CCED)¹ حمایت ایالات متحده را در سطحی وسیع برای توسعه موفق حوزه خزر به‌رغم تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده ایجاد می‌کند. ائتلاف برای توسعه انرژی خزر، شرکتهای نفتی آمریکایی که در حوزه خزر سرمایه‌گذاری می‌کنند و همچنین اتحادیه تجاری صنعتی را دربر می‌گیرد.

1. Coalition for Caspian Energy Development (CCED)

استراتژی قانونگذاری: این استراتژی شرکت‌های آمریکایی که به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران از سرمایه‌گذاری در آن کشور منع شده و یا خودشان صرف‌نظر کرده‌اند برای رابطه مستقیم با دولت‌مردان ایالات متحده دعوت می‌کند.

استراتژی رسانه‌ها: برای خلق میدان دید بزرگتر از مسایل پیش‌روی، توسعه رسانه‌ای مورد استفاده خواهد بود. هدف استراتژی ایجاد حمایت کافی از تصمیم‌گیران و اشنگتن است که بر نشانه‌های مثبت اخیر توسط ریاست جمهوری و رهبری ایران در توسعه منطقه خزر تأکید می‌کنند. یعنی تأکید بر لزوم ایجاد تعامل و همکاری. دومین تأکید بر اهمیت اقتصادی ایران و فشار تحریم‌های یک‌جانبه بر روی اقتصاد ایالات متحده است. فشارهایی که شامل کاهش تولید و مشاغل و از دست دادن قدرت رقابت این کشور در منطقه دریای خزر است.

استراتژی مذاکره: مذاکره بر معامله و زدوبند با حکومت تکیه می‌کند.

استراتژی بین‌المللی: استراتژی بین‌المللی مستلزم ایجاد فشار بین‌المللی برای وادار کردن سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحده به سمت ایران است. برای نایل آمدن به این هدف، یک ائتلاف بین‌المللی تشکیل داده خواهد شد که شامل نمایندگان از دولت‌های منطقه، نهادهای تجاری (شامل شرکت‌ها)، سازمان‌های غیردولتی و اتاق بازرگانی منطقه‌ای ایالات متحده می‌شود.

استراتژی ساختار ائتلاف: موضوع ائتلاف بین‌المللی برای توسعه خزر، ایجاد حمایت و اجماع بین‌المللی است برای تحول ائتلاف بین‌المللی مثل طرح عملی که در سطح ائتلاف داخلی شروع می‌شود.

استراتژی رسانه‌ها: این استراتژی به منظور بالا بردن اهمیت سیاستمداران ایران برای توسعه منطقه خزر و نمایان ساختن علامت‌های ایران به ایالات متحده طراحی می‌شود. مبارزه رسانه‌ها باید بر ویژگی‌های خط لوله از مسیر ایران و بر برخوردهای منفی تحریم‌های دوجانبه ایالات متحده تمرکز نماید.

استراتژی گفتگوی دوجانبه ایران و آمریکا: استراتژی گفتگو بهترین معبر گفتگوها را بین ایالات متحده و ایران فراهم می‌آورد.

ج) زمینه

منطقه خزر: فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ همراه با استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز منابع وسیع دریای خزر را برای توسعه منطقه که ادعا بر این است حدود ۲۰۰ میلیارد بشکه از ذخایر قابل استحصال انرژی را دارد فراهم می آورد. ذخایر نفت و گاز کشورهای قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و روسیه به ترتیب حدود ۴۰٪، ۲۰٪، ۱۵-۲۰٪ و ۱۵-۲۰٪ تخمین زده می شوند و حوضچه های منطقه خزر از ۵ کشور ساحلی: آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان تشکیل شده است، ۷۰۰ مایل طول خط ساحلی دارد، محتوی ۶ حوضچه جداگانه هیدروکربن است و از لحاظ ذخیره منابع انرژی به نوعی قابل مقایسه با دریای شمال می باشد. از زمان فروپاشی تاکنون دریای خزر هنوز نقطه کانونی برای سرمایه گذاری شرکت های نفتی خارجی نشده است. این منطقه منبع انرژی و فرصت است، همین طور که یک منطقه همراه با بحث و جدل است. اغلب منابع نفت و گاز در منطقه خزر توسعه نیافته اند و اکثر آنها کشف نشده باقی مانده اند. اغلب منابع نفتی آذربایجان همراه با درصدی از کل منابع نفتی ترکمنستان و قزاقستان واقع در دریا هستند. ذخایر ثابت شده نفت و منطقه خزر حدود ۱۶ تا ۳۲ میلیارد بشکه تخمین زده می شوند که قابل مقایسه با ۲۲ تا ۳۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت آمریکا و ۱۷ میلیارد بشکه در دریای شمال می باشد. حتی، ذخایر گاز طبیعی وسیعتر هستند چیزی حدود دو برابر هیدروکربن منطقه را تشکیل می دهد. براساس آمار ذخایر ثابت شده^۱ قزاقستان - ترکمنستان به هر نسبت در میان ۲۰ کشور دارای بزرگترین منابع گاز طبیعی جای دارند. قبل از مطرح کردن ظرفیت بالقوه منابع انرژی منطقه، نیاز به طرح موضوعات کلیدی است که شامل:

- حق مالکیت و مسایل حقوقی مالکیت بین کشورهای ساحلی دریای خزر؛

- بی ثباتی منطقه ای؛

- امنیت انرژی؛

- مسایل خط لوله - نیاز به توسعه مسیرهای صادرات فراملی از کشورهای منطقه خزر به

بازار جهانی؛

- مسایل مالی و سرمایه گذاری؛

- تحریم یک جانبه ایالات متحده علیه ایران؛

- نقش استراتژی ایران در منطقه.

منطقه خزر به حوزه مهم سرمایه گذاری تبدیل شده است که میزان تقریبی سرمایه گذاری در آن سه میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۰۳ خواهد بود. دولت‌های پیشرفته و گروه‌های سرمایه گذار خصوصی از ایالات متحده، انگلیس - فرانسه، ایتالیا، نروژ، هلند، کانادا، اندونزی، چین، عربستان سعودی، آرژانتین، مالزی سهمی از منافع حاصل از توسعه سریع ذخایر انرژی خزر دارند. وجود کشورهای قوی و باثبات در منطقه خزر یک اصل ضروری برای توسعه انرژی در طولانی مدت است. در حال حاضر کل سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز قزاقستان ۲ میلیارد دلار و قابل افزایش در آینده است. در واقع یک توافقنامه سرمایه گذاری برای تولید نفت و گاز این کشور به امضا رسیده است که بیشتر از ۶۰۰ میلیارد دلار ارزش افزوده خواهد داشت. تعداد زیادی همکاری‌های مشترک مربوط به نفت و گاز در خزر طی ۵ سال گذشته بنا نهاده شده است. مهمترین اقدامات مشترک انجام شده در دو جمهوری آذربایجان و قزاقستان از قرار ذیل است:

آذربایجان

- شرکت بین‌المللی نفت آذربایجان (AIOC) مشغول به کار است که به توسعه بیشتر پروژه گونشلی^۱ می‌پردازند.

- شرکت بین‌المللی نفت خزر (کاسپین) (CIPCO) که در حوزه آذری و چراغ فعال است.

- پروژه شاه‌دنیز^۲ که جدیدترین پروژه هاست و به وسیله شرکت نفتی انگلیس (BP) اداره

می‌شود.

- پروژه دن اولدوزو^۳ به وسیله آموکو اداره می‌شود و روی هم رفته با سرمایه گذاری انجام

شده سطح تولید مورد نظر در حدود ۱ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ می‌باشد.

1. Goneshli
3. Danulduzu

2. Shahdeniz

قزاقستان

کنسرسیوم خط لوله خزر^۱ (CPC) که میزان سهام و اعضای آن شامل روسیه (۲۴٪)، شورون (۱۵٪)، لوک آرکو (۱۲/۵٪ - روسیه و ایالات متحده)، موبیل (۷/۵٪ - روسیه - اوکراین - هلند)، عمان (۷٪)، BC (۲٪ - اوکراین)، خط لوله اگی مربوط به قزاقستان (۱/۷۵٪)، و آریکس (۱/۷۵٪) می‌باشند.

- شرکت سرمایه‌گذاری مشترک نفت تنگیز - شورون واقع در خشکی. اعضا شامل: شورون (۴۵٪)، قزاقستان (۲۵٪) و لوک‌اویل (۵٪). سرمایه‌گذاری تا ۲۰ میلیارد دلار و رسیدن به تولید ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز قبل از سال ۲۰۱۰ انتظار می‌رود.

- کنسرسیوم دریای خزر (CSC) شامل اجیپ، بریتیش پترولیوم، استات اویل، بریتیش گاز، موبیل و توتال می‌باشد.

موضوع خط لوله و انتقال: محدود بودن ظرفیت انتقال خطوط لوله‌های نفت، دلیل اصلی عدم توسعه انرژی خزر می‌باشد. زیرا خزر یک دریای بسته است و خطوط لوله برای انتقال نفت و گاز به بازار، نقش اساسی دارند. خطوط لوله موجود در منطقه برای اتصال مسیر حوزه‌های نفت و گاز به مقصد روسیه طراحی شده بودند. اگرچه بعضی از خطوط لوله روسیه در حال استفاده می‌باشد، لیکن ظرفیت انتقال همه نفت و گاز منطقه را ندارد و کشورهای استقلال یافته حوزه ساحلی دریای خزر برای کسب درآمدهای ناشی از صادرات نفت خود از روسیه درخواست همکاری می‌کنند. بنابراین واضح است که خطوط لوله جدیدی مورد نیاز هستند.

مسیرهای صادرات: هر کدام از مسیرهای خطوط لوله پیشنهادی نقاط ضعف خاصی دارند. بعضی از آنها خیلی پرهزینه هستند در حالی که دیگر مسیرها با مخاطرات زیست‌محیطی مواجه هستند. غالب آنها از میان نواحی بی‌ثبات سیاسی می‌گذرند. انتخاب مرجع آنها کم‌خطرترین و اقتصادی‌ترین مسیرها می‌باشند. مسیرهای مختلف آن به‌طور اختصار شرح داده می‌شوند.

- مسیر غربی: کشورهای آذربایجان - گرجستان - ترکیه و ایالات متحده موافق این مسیر

1. Caspian Pipeline Concorstium

هستند. مسیر غربی نفت از طریق باکو - آذربایجان به بندر سوپسا - گرجستان در دریای سیاه که قرار بود از ماه آوریل ۱۹۹۹ به اجرا گذاشته شود. مسیر باکو - سوپسا گزینۀ خط لوله اصلی صادرات است. این خط لوله از نظر اقتصادی بادوام و با اهمیت است و نیازمند سرمایه زیادی در بدو شروع پروژه نیست. همچنین، این مسیر نیازمند حداقل هزینه‌های انتقال است لیکن از میان مناطق بی‌ثبات سیاسی می‌گذرد و در نهایت نفت به تنگه بسفر حمل می‌شود و به همین دلیل دارای مخاطرات زیست‌محیطی زیادی می‌باشد.

- این مسیر از روسیه می‌گذرد، در منطقه قفقاز بندر سوپسا در گرجستان وجود دارد. اگرچه موضوع امنیتی مهمی در روسیه در این مقطع به‌جز قدری بی‌ثباتی به خاطر جنگ قبلی آنها با آبخازها وجود ندارد.

- در امر تحویل نفت از بندر سوپسا به بازارهای جهانی، نیاز به عبور از تنگه بسفر می‌باشد، مشکل اصلی پیمودن این تنگه پاکشتی است. این مسیر پهنه میانی استانبول را قطع می‌کند و یک بار اضافی را به ترافیک سنگین موجود آن اضافه می‌نماید و به مشکلات آن می‌افزاید و مخاطرات زیست‌محیطی را به همراه دارد.

- مسیر شمالی: این خط لوله، نفت را از باکو (آذربایجان) و مسیر چچن به بندر نوروسیسک در روسیه حمل می‌کند. مبلغ ۲/۴ میلیارد دلار برای تعمیر خط لوله چچن (قسمتی که از چچن می‌گذرد) برآورد می‌شود. این مسیر از میان یک منطقه خیلی بی‌ثبات در چچن که امنیت انتقال نفت مورد تردید است می‌گذرد. احداث آن در حال حاضر به دلیل مناقشات بین دولتمردان روسیه و چچن به تأخیر افتاده است. همچنین، این مسیر نفت را با عبور از بسفر به دریای سیاه می‌برد.

- مسیر مدیترانه: این خط لوله که از باکو شروع می‌شود از ترکیه عبور کرده و به بندر جیحان در مدیترانه منتهی می‌شود و به عنوان خط لوله اصلی صادرات نفت از آذربایجان در نظر گرفته شده است. هدف مورد نظر آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، ترکیه و ازبکستان است که در حال حاضر احداث آن را تا جیحان (با امتناع ترکمنستان) امضا کرده‌اند. واشنگتن و ترکیه از این مسیر حمایت می‌کنند. این مسیر یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین گزینه‌هاست و در مقابل بازیگران زیادی می‌گویند این مسیر از نظر اقتصادی قابل رشد و ترقی است. در واقع، شرکتهای

وابسته به شرکت بین‌المللی نفت آذربایجان به دلیل هزینه بالای احداث خط لوله اصلی صادرات نفت^۱، تعرفه مورد درخواست ترکیه برای انتقال نفت از این سرزمین و فقدان تضمین حجم نفت انتقالی، تعیین بودجه برای عملیات اجرایی آن را به تأخیر انداخته‌اند. نوسانات جاری (۲۰۰۲) در قیمت نفت به نگرانی‌های آن افزوده است. اگر حجم نفت خام قزاقستان به نفت خام آذربایجان اضافه شود این پروژه خط لوله اقتصادی‌تر می‌شود و پیشنهاد شده است که نفت قزاقستان می‌تواند به باکو حمل شود و چگونگی انتقال آن ذیلاً بحث می‌شود. پروژه خط لوله انتقال نفت خزر انتقال نفت قزاقستان به باکو را نیز دربر می‌گیرد. ۲/۳ تا ۳/۵ میلیارد دلار برای خط لوله از باکو به جیحان، ۳/۶ تا ۴/۲ میلیارد دلار برای حمل نفت قزاقستان به باکو و سپس به جیحان (نسبت به همهٔ پیشنهادها پرهزینه‌تر است). خط لوله باید از نزدیک کردستان بگذرد، مناطقی که در آنجا برخوردهای نظامی پرهزینه و شکننده با مردم کرد انجام می‌شود. این گزینه از نظر زیست‌محیطی مساعدتر است چون مسیر مسافر که یک خط ماورای خزر^۲ است مشتمل بر نگرانی‌های زیست‌محیطی می‌باشد. هیچ توافقی از طرف شرکت‌های نفتی برای تعیین بودجه تولید این میزان حجم نفت جهت پُر کردن یک چنین خط لوله عظیمی وجود ندارد.

پروژه خط لوله ماورای خزر: پروژه خط لوله ماورای خزر به عنوان «کریدور آسیا اروپا» جدال برانگیز است زیرا این خط لوله از زیر آب می‌گذرد و بنابراین با مخاطرات زیست‌محیطی بزرگی در دریای خزر مواجه است. به علاوه، ساخت این خط لوله نیازمند تصمیم‌گیری برای موارد حقوقی مالکیت در کشورهای مزبور که از حق توسعه منابع برخوردارند می‌باشد. آذربایجان به شدت علاقه‌مند به این پروژه است زیرا منافع زیادی را عاید آن کشور می‌سازد. ایالات متحده به آن علاقه‌مند است زیرا انتقال نفت فراوان قزاقستان باعث کاهش هزینه احداث خط لوله باکو - جیحان می‌شود. قزاقستان علاقه‌مند به آن است زیرا تسهیلات خوبی برای انتقال منابع نفت آن ایجاد می‌کند. روسیه و ایران قویاً مخالف آن پروژه هستند زیرا منابع بیولوژیک خزر را در معرض خطر قرار می‌دهد. همچنین، هزینه بالای احداث قابل ملاحظه است. به منظور تأمین هزینه احداث، باید همهٔ نفت قزاقستان از طریق این خط لوله انتقال داده می‌شود. هزینه معادل ۳/۵ تا ۴/۲ میلیارد دلار است. خط لوله از میان منطقه قفقاز و مناطقی که از نظر سیاسی

1. Main Export Pipeline (MEP)

2. Trans Caspian Rout

مسئله ساز هستند، می‌گذرد. چون قسمتی از خط لوله قزاقستان به باکو تحت تهدیدات بزرگ زیست محیطی هستند هم‌اکنون، طرح حمل نفت قزاقستان به باکو باکشتی و سپس انتقال آن به وسیله خط لوله به جیحان است.

خط لوله (CPC): در حال حاضر کنسرسیوم خط لوله خزر ساخت خط لوله را با هزینه ۱/۳۴ میلیارد دلار شروع کرده که نفت تنگیز را به بندر نوروسیسک واقع در ساحل دریای سیاه در روسیه منتقل می‌کند. کنسرسیوم خط لوله خزر (CPC) از تنگیز به منطقه آستاراخان، و نیز ساخت خط لوله جدید از آستاراخان به نوروسیسک را در دست ساخت دارد. قرار بود خط لوله در اواسط سال ۲۰۰۱ میلادی شروع به کار نماید اما تا قبل از دهه بعد این خط لوله به بهره‌برداری نمی‌رسد. تخمین زده می‌شود که این خط لوله طی ۳۵ تا ۴۰ سال آینده مبلغ ۳۳ میلیارد دلار درآمد برای روسیه داشته باشد که شامل ۲۳ میلیارد دلار درآمد حاصل از مالیات و ۱۰-۸ میلیارد دلار درآمدهای دیگر برای آن قابل تصور است. این مسیر قزاقستان را به روسیه وابسته ساخته و اقتصاد داخلی قزاقستان را با منافع اقتصادی روسیه در تقابل قرار می‌دهد. قزاقستان و روسیه در بازار منابع نفتی رقیب یکدیگرند و همچنین این مسیر به دلیل جنگ در چین مورد تردید است و بندر نوروسیسک تضمینی نمی‌دهد که نفت قزاقستان به خاطر مسئله بحران چین به اروپا برسد. هزینه آن ۲/۲ میلیارد دلار است و جنگ در چین حاکی از بی‌ثباتی سیاسی تهدیدکننده این خط لوله می‌باشد. این مسیر نیازمند انتقال نفت از طریق تنگه بوسفور است.

-مسیر شرقی (به چین): ساخت خط لوله از طریق چین بیشتر از هر خط لوله دیگر هزینه خواهد داشت زیرا طولانی‌تر از دیگر مسیرها می‌باشد. اگرچه در حال حاضر، قزاقستان و چین یک قرارداد همکاری برای هزینه احداث خط لوله امضا کرده‌اند. چینی‌ها علاقمندی زیادی برای ساخت یک خط لوله به دلایل استراتژیک دارند. این خط لوله بزرگترین خط لوله گاز طبیعی جهان به طول ۲۰۰۰ کیلومتر می‌شود که از قزاقستان تا مرز چین تداوم می‌تواند تا ژاپن ادامه یابد. در حال حاضر، شرکت‌های اکسون و ملی نفت میت مطالعات مقدماتی امکان‌سنجی برای احداث یک خط لوله نفت از قزاقستان و ترکمنستان به چین که از سال ۱۹۹۹ مورد نظر بوده است را تحویل داده‌اند. هر دو خط لوله با مشکلات فنی و مالی گوناگون به خاطر پیمودن مسافتی به طول ۸۰۰۰ کیلومتر مواجه‌اند. با احتساب این که تا سال ۲۰۱۰ چین یکی از بزرگترین

مصرف‌کنندگان انرژی می‌باشد بنابراین یکی از بزرگترین پروژه‌های با اولویت برای قزاقستان محسوب می‌گردد.

- مسیر جنوبی (از طریق ایران به خلیج فارس): این مسیر شمال ایران را به سمت خلیج فارس می‌پیماید. این اقتصادی‌ترین و تجاری‌ترین مسیری می‌باشد که در حال حاضر خط لوله آن موجود است و خلیج فارس ایستگاه صادراتی مناسبی است. شرکتهای نفتی آمریکا از این مسیر حمایت می‌کنند و دولت ایالات متحده قویاً آن را رد می‌نماید. به دلایل تحریم‌های اقتصادی یکجانبه ایالات متحده شرکتهای آمریکایی از تجارت فعال با ایران منع شده‌اند. هزینه‌ی احداث، ۱/۵ تا ۲/۵ میلیارد دلار است. اگرچه ایالات متحده ایران را یک تهدید می‌بیند لیکن ایران تنها کشور در سراسر منطقه است که دیگر گزینه‌های خط لوله می‌تواند از آن بگذرد. هیچ مخاطره جدی در مقایسه با دیگر مسیرها وجود ندارد. تحریم‌های ایران - لیبی (ایلسا) شرکتهای آمریکایی را از فعالیت در ایران باز می‌دارد. بهترین مسیر صادرات نفت از قزاقستان و ترکمنستان به‌طور مستقیم به جنوب از طریق خط لوله جدید با تهران و شبکه خطوط لوله دیگر و پالایشگاههای ایرانی می‌باشد. در ایران دو مسیر دیگر برای صادرات نفت از آذربایجان به خلیج فارس وجود دارد. اول، حمل نفت شرق از باکو؛ دوم، از مسیر ترکمنباشی ترکمنستان.

مسیر جنوب شرقی (به پاکستان از طریق افغانستان): برای عبور از مسیر افغانستان به پاکستان خط لوله‌ای طرح‌ریزی شده که امکان امتداد آن به هند را دارا می‌باشد. مطالعات امکان‌سنجی آن از نظر جغرافیایی انجام شده، اگرچه حمله آمریکا به افغانستان بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر از پیشرفت این پروژه جلوگیری کرده است. مواضع کشورها در مقابل خطوط لوله صادراتی و سرمایه‌گذاری در ایران: ایالات متحده از احداث خطوط لوله چندجانبه در امر تأمین امتیاز انحصاری تحویل منابع انرژی خزر به بازارهای جهانی حمایت می‌نماید. ایالات متحده نیز از یک خط لوله شرقی - غربی به سمت ترکیه (متحد خود) حمایت می‌کند. این نقش ستیزه‌جویانه است، اگرچه، طرح احداث این خط لوله اعلام و با سرمایه معینی به تصویب هم رسیده ولی به دلیل عدم تأمین مالی آن و تردید در اقتصادی بودن و قابلیت تجاری آن به تعویق انداخته شده بود. ایالات متحده از مداخله روسیه در توسعه دریای خزر حمایت می‌کند اما علاقمند به اجتناب از مسیر روسیه به عنوان گزینه خط لوله اصلی است. ایالات متحده قویاً با

ارتباط معاملاتی با ایران مخالفت می‌ورزد.

موضع دولت قزاقستان: دولت قزاقستان مسیری را که بهترین توازن بین هزینه‌ها و فروش که در بازارهای سطح بالا ارائه کند جستجو می‌نماید. قزاقستان به دنبال جنوبی‌ترین مسیر منطقی و با قابلیت رشد اقتصادی است. ارزش نفت خام از این مسیر بیشتر و هزینه‌های انتقال کمتر می‌باشد. روی هم رفته این کشور روابط خوب و پایداری با ایران دارد. اگرچه بیشترین سهم از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قزاقستان و منطقه متعلق به سرمایه‌گذاران، سهامداران و شرکای منطقه‌ای شرکت‌های آمریکایی می‌باشد. آنها خودشان در وضعیت مشکلی به‌سر می‌برند و گرنه علاقه‌مند به حمایت از احداث و راه‌اندازی یک خط لوله از مسیر ایران هستند. این کار روابط با ایالات متحده و معاملات با آنها را دچار مخاطره می‌کند.

مواضع دولتهای روسیه، آذربایجان و ترکمنستان: اهداف کشورهای منطقه خزر متنوع کردن مسیرهای صادرات برای خودشان تا حد امکان و انتخاب مسیر ایران که نویدبخش و محتمل است، می‌باشد زیرا آنها هیچ مشکلی با ایران ندارند. به‌رغم تحریم‌های تحمیلی ایالات متحده، در حال حاضر کشورهای زیادی در منطقه خزر از فعالیت بازرگانی و تجاری با ایران سود می‌برند. آنها علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در یک فعالیت مشترک با ایران و خواستار انجام معاوضه انرژی با ایران هستند. نمونه‌هایی از پروژه‌های مشترک کشورهای منطقه خزر با ایران به شرح زیر می‌باشند:

- آذربایجان: شرکت آذربایجان سوکار و شرکت ملی حفاری ایران فعالیت‌های لرزه‌نگاری و حفاری چاه‌های اکتشافی در بخش ایرانی دریای خزر را اداره می‌کنند.
- قزاقستان: توافق ایران و قزاقستان جهت ترتیب دادن معاوضه انرژی.
- ترکمنستان: یک خط لوله گاز در دست احداث از ترکمنستان به ایران می‌آید.
- فعالیت‌های سرمایه‌گذاری اروپایی در ایران: اخیراً وزارت خارجه ایالات متحده از تحریم شرکت‌های خارجی که با ایران معامله دارند صرف‌نظر کرد. شرکت‌های نفت و گاز اروپایی پروژه‌های سودآور بزرگی در ایران به‌دست آورده‌اند.
- به محض لغو معامله کونوکو، شرکت فرانسوی توتال به توسعه حوزه‌های سیری A و B نایل آمد.

- شرکت مالزیایی پتروناس، ۳۰٪ رقابت در پروژه‌ها را در ژوئن ۱۹۹۶ به دست آورد.
- پس از لغو تحریم‌های یکجانبه ایران - لیبی (ایلسا) توسط ایالات متحده، ایران و ترکیه معامله صدور گاز طبیعی به مدت ۲۲ سال و به ارزش ۲۰ میلیارد دلار را به امضا رساندند.
ایران: ایران یک بازیگر اصلی در منطقه خلیج فارس و دومین کشور تولیدکننده سازمان اوپک و تولیدکننده ۱۰٪ تولید نفت جهانی است. ایران دارنده ۹٪ ذخایر نفت و ۱۶٪ ذخایر گاز جهان است چنانچه ایران یک نقطه کانونی در موارد امنیتی باقی می‌ماند.
تاریخ روابط ایران و ایالات متحده: دولت ایالات متحده در مسایل سیاسی ایران دخالت کرده است چون در سال ۱۹۵۳ وقتی دولت ملی و قانونی ایران سرنگون شد ایرانی‌ها، آمریکایی‌ها را برای حفظ سلطنت تا سالها مقصر دانستند. انقلاب سال ۱۹۷۹ به شدت ضدآمریکایی بود و نتیجه آن گروگانگیری و وضعیت ایجاد شده یعنی بحران بزرگ در روابط ایران و آمریکا بود.

در سال ۱۹۸۴، ایالات متحده ایران را متهم به حمایت از تروریسم بین‌المللی نمود و همین امر اساس قانون تحریم‌هایی شد که فروش تسلیحات ایالات متحده را منع می‌کرد و اساس مخالفت با تمام وام‌ها به ایران از نهادهای مالی بین‌المللی شد. در سال ۱۹۸۷ ایالات متحده واردات هر نوع کالا یا خدمات از ایران را منع کرد و برخورد نیروی دریایی و هوایی ایالات متحده با ایران فرصتهای زیادی که تلاشهای ایران برای شکستن تحریم‌ها بود را از بین برد. در سال ۱۹۹۵ رئیس جمهور کلینتون، ایران را در معرض تحریم‌های فراگیر قرار داد و همه آمریکایی‌ها را از دادن کالاهای مکمل خارجی در ارتباط با انجام معاملات مالی و تجاری با ایران منع کرد.

اجرای تحریم‌های یک‌جانبه ایران - لیبی توسط ایالات متحده (ایلسا): تقریباً به مدت ۲۰ سال ایالات متحده تلاش کرده است تا در ایران به وسیله نشان دادن هیبت اقتصادی خود در مقابل این کشور در آن نفوذ کند. این سیاست به مقدار زیادی با حمایت اتحادیه بین‌المللی مؤثر واقع شد. این تنها مورد نیست، در اوت ۱۹۹۶ رئیس جمهور کلینتون موضع تحریم یک‌جانبه ایران و لیبی موسوم به ایلسا را تصویب کرد که تحریم‌ها علیه شرکتهای خارجی که به میزان ۴۰ میلیون دلار طی هر سال جهت توسعه ذخایر نفتی ایران و لیبی سرمایه‌گذاری کنند تحمیل

شود. یک سال بعد، حداکثر سرمایه‌گذاری به ۲۰ میلیون دلار تقلیل پیدا کرد. بنا بود این تحریم‌ها به مدت حداقل دو سال تحمیل شود، همچنین ترتیبات دیگری به‌طور مداوم به کار برده می‌شوند. رئیس‌جمهور ممکن است از تحمیل تحریم‌ها صرف‌نظر کند چنانچه او تعیین می‌کند که آن در مورد شرکتهای ایالات متحده اعمال شود.

پیشرفت‌های اخیر در ایران: انتخاب دموکراتیک رئیس‌جمهور خاتمی در سال ۱۹۹۷، یک توسعه مثبت بزرگ بود که با ملاحظه سکوی عدالت اجتماعی انتخاب شد. او به سمت جذب سرمایه مورد نیاز برای رشد و توسعه اقتصادی تلاش می‌کند. همچنین او برای ساختن ایران با جاذبه بیشتر برای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز تلاش می‌کند. سال ۱۹۹۷، ایران پیشرفت زیادی در تثبیت روابط با کشورهای متعدد و برداشتن گامهایی در جهت دیپلماسی بهتر، تجارت، روابط اقتصادی با دیگر کشورها داشته است. رئیس‌جمهور جدید خواهان پایان دادن به انزوای ایران و زندگی بهتر مردم ایران است. ایالات متحده باید به وسیله تقویت یک سیاست مثبت به آن پاسخ دهد.

د) تحلیل مباحث مستقل

توسعه اقتصادی منطقه خزر به چندین مبحث برمی‌گردد. مهمترین مبحث به قابلیت استفاده از مسیرهای انتقال برای ارسال ذخایر نفت و گاز طبیعی سرزمین بسته خزر به بازارهای جهانی منحصر می‌شود. خطوط لوله موجود در عصر اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده بودند که توانایی حمل ظرفیت تولید بازار نفت و گاز منطقه را ندارند. به علاوه شوروی این خطوط لوله را برای مصرف داخلی و از این رو به سمت روسیه مسیربندی شده بودند را احداث کرده بود. در حالی که روسیه علاقه‌مندی زیادی به ادامه داشتن امتیاز حمل و نقل منابع دریای خزر را دارد، الزاماً روسیه با استدلال تجاری قابل ملاحظه‌ترین کشور منطقه است. دیگر کشورهای منطقه برای تأمین بخشی از درآمدهایشان با روسیه ارتباط دارند. در واقع خطوط لوله چندگانه‌ای که مسیر انتقال انرژی کشورهای منطقه است برای آنها ضروری می‌باشد به طوری که هیچ کشوری احساس نکند که کاملاً وابسته به بازار دیگران است. در حال حاضر، تمام خطوط لوله احداث شده نفت را به بندرهای دریای سیاه انتقال می‌دهند. اولین خط لوله کشیده شده منتهی به

نوروسیسک می‌شود. دومین آن که احداث می‌شود از باکو به سوپسا کشیده می‌شود. سومین خط لوله از قزاقستان به روسیه و در نهایت به دریای سیاه می‌رود، که ظرفیت خیلی محدود می‌دارد. اغلب مسیرهای خط لوله پیشنهادی به انضمام همه آنهايي که به وسیله دولت ایالات متحده حمایت می‌شود به سمت مدیترانه می‌رود. اگرچه، در حال حاضر خطوط لوله مدیترانه‌ای بیش از حد عرضه منطقه است. در صورتی که منابع در آسیا در حال افزایش است و بازارهای آسیا دسترسی آسانتری به نفت صادراتی خلیج فارس دارند. به علاوه مسیر ایران نیاز به انتقال نفت از میان تنگه‌ها که موارد بالقوه فجایع زیست محیطی در آن وسیع است و همچنین نیاز به عبور از مناطق بی‌ثباتی نظیر چین، افغانستان و گرجستان را حذف می‌کند.

مباحث تجاری: شبکه خطوط لوله نفت و گاز موجود در ایران و ساختار مربوط به آن کمترین هزینه خروج برای منابع نفت خزر فراهم می‌آورد. ظرفیت خط لوله از مسیر ایران برای انتقال نفت از شمال به جنوب میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز تخمین زده می‌شود. فقط به‌طور جزئی، خطوط لوله اتصالی با خطوط لوله موجود تا مناطق مرزی فاصله دارند.

مباحث ژئواستراتژیک برای احداث یک خط لوله از مسیر ایران

- ایران، جدای از روسیه، کشوری با ثبات در منطقه است که دسترسی به آبهای آزاد دارد؛

- ایران با دو کشور آذربایجان و ترکمنستان مرزهای مشترک دارد؛

- ایران یک ساختار انرژی وسیع دارد؛

- ایران چهار پالایشگاه در حوالی مرز آذربایجان دارد.

- ترمینال صادراتی ایران در جزیره خارک ۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز جابجا می‌کند و

قادر است ظرفیت بزرگتری هم داشته باشد.

مباحث اقتصادی

۱. خط لوله از مسیر ایران هزینه انتقال کمتر، تعرفه‌های کمتر و دسترسی بهتر با کیفیت

بالا را ارائه می‌دهند.

۲. مسیر ایران به کمترین زمان هدایت نیاز دارد و از این رو بازدهی سریعتر دارد. درآمد

زودتر بهتر از درآمد دیرتر است به‌ویژه اگر مسیر اخیر به توسعه خطوط لوله مکمل کمک کند.

۳. متصل به دریا بودن ایران شهرت دارد.

۴. ایران می‌تواند پالایشگاه‌های شمالی را برای برداشت نفت خزر به معنی صرفه‌جویی بیشتر در هزینه‌های معاملات اصلاح نماید.

۵. توانایی ایران برای جذب نفت خزر کاملاً وسیع است: ایران توانایی انتقال بیش از ۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز بطور سریع دارد زیرا ترمینالها می‌توانند به‌طور نسبی به آسانی توسعه داده شوند.

۶. بندرهای ایرانی به مصرف‌کنندگان در آسیای جنوب شرقی هرچاکه تقاضای بیشتر انرژی پیش‌بینی شود، خدمات آرایه می‌دهند.

مباحث زیست محیطی: ملاحظات زیست‌محیطی نیز انتخاب مسیر ایران را جذاب‌تر می‌سازد. همه مسیرهای انتخابی دریای سیاه متضمن حمل نفت از میان ترافیک سنگین تنگه بسفر، جایی که سطح آلودگی‌ها بالا است، می‌باشد. در حال حاضر دولت ترکیه محدودیتهای جدیدی در استفاده از بسفر به خاطر آلودگی‌های مربوطه وضع کرده است. همچنین خط لوله ماورای خزر (که باید در کف دریا بین بندر ترکمنباشی و باکو احداث شود) خطرات زیست‌محیطی جدی در مقابل کشورهای ساحلی به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل ایران و روسیه از این انتخاب حمایت نخواهند کرد. همچنین خط لوله ماورای خزر این امکان را فراهم می‌آورد تا خط لوله باکو - جیحان (ترکیه) سودآور تلقی گردد.

مبادلات کالا: تصمیم‌گیری در مورد این که کدام یک از خطوط لوله به‌طور جدی متضمن حمایت از مبادلات کالا می‌باشد باید گفت سریع‌ترین، کوتاهترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر صادرات از طریق ایران است. لیکن، ایالات متحده قویاً با مسیرهای ایرانی مخالفت می‌کند و مسیر مورد نظرش هم مستلزم انتقال نفت از میان سرزمینهای رقابت‌آمیز است به انضمام روسیه، گرجستان و ترکیه که سرزمینهای بی‌ثبات از نظر سیاسی می‌باشند. این مسیرها به‌وسیله واشنگتن انتخاب شده‌اند. در هر صورت، احداث خطوط لوله مختلف منابع انرژی خزر را رقابتی‌تر و جالب توجه‌تر برای شرکتهای نفتی بخش خصوصی خواهد ساخت. شرکتهایی که سرمایه‌گذاری مالی با حجم عمده خواهند داشت دلایل متعددی وجود دارد که تنوع خطوط را با اهمیت می‌کنند.

۱. دلایل اقتصادی: هیچ ملتی به تنهایی نباید از فرصت ایجاد شده استفاده اقتصادی

کند. همه گروه‌های مورد نظر باید از منابع انرژی منطقه سود ببرند. اینها اصولی برای نقل و انتقال وسیعتر و مسیرهای ارتباطی متصل به منطقه قفقاز تا بازارهای جهانی است.

۲. دلایل امنیتی: تولیدکنندگان نفت نتیجه می‌گیرند که صادراتشان را به یک مسیر محدود نکنند زیرا این امر مستلزم عبور از مسیرهایی است که از سرزمینهای بی‌ثبات مانند چین، گرجستان و ترکیه، سرزمینهایی که تحولات سیاسی آن می‌تواند در طول یک شب رخ دهد، می‌گذرد. همه کشورهای تولیدکننده احساس امنیت بیشتری خواهند کرد اگر صرفاً وابسته به یک کشور نباشند.

۳. همکاری‌های منطقه‌ای: همچنین احداث خطوط لوله چندگانه بیشترین انگیزه‌ها را برای همکاری و رفع تنش ارایه می‌دهد. خطوط لوله احداث شده از موانع مرزی گوناگون عبور می‌کند. لکن عبور خطوط لوله از مرزها کشورها را وابسته به یکدیگر خواهد ساخت و بنابراین تمایل کمتر به درگیری و برخوردهای نظامی را موجب خواهد شد.

مباحث سیاسی: تردید در ملاحظه این که کدام کشور از نظر قانونی مستحق بهره‌برداری از منابع خزر هستند مانع بزرگی برای اکتشاف بیشتر منابع در خزر می‌باشد. برای برطرف کردن این موانع از کشورهای منطقه خزر شامل ایران، باید به یک توافقنامه دست یافت. ایران ادعا می‌کند که تا دستیابی به یک توافق همه‌جانبه بین کشورهای ساحلی، توافقات انجام شده بین شوروی سابق و ایران در سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی مؤثر می‌باشند. هر کوششی برای تقسیم دریا به‌طور دوجانبه غیر قابل قبول خواهد بود.

حقوق دریاها: در مواردی عدم توافق است که عطف به چه قانونی از کنوانسیون دریا مرزهای دریایی ۵ کشور حوزه خزر می‌توانند بر اساس آن منابع زیربستر را به‌طور مساوی تا بخشهای ساحلی ملی تعیین کنند. اگر قانونی به دلیل مشاع بودن دریای خزر قابل اجرا نمی‌باشد بنابراین منابع خزر باید به‌طور مشترک توسعه یابند. روسیه و ایران در دسترسی به‌طور مشاع که در خزر اجرا نمی‌شود توافق دارند. لیکن، به خاطر این مسأله شرکتهای آمریکایی با مسایل بزرگی روبرو هستند مادام که از انجام معامله با ایران منع می‌شوند.

توافق دوجانبه روسیه - قزاقستان: اخیراً قزاقستان و روسیه توافقی را امضا کرده‌اند که به قسمتهایی از دریای خزر تخصیص می‌یابد. لیکن، ایران مخالف این توافق است

چون نمی‌خواهد قدرتش را در منابع تخصیص یافته که مورد استفاده قرار می‌گیرد از دست بدهد. در زمان حاکمیت شوروی، ایران و شوروی به‌طور مشترک عملیات اکتشافی در منابع خزر داشتند. ایران ۵۰ درصد حق اظهار نظر در هر تصمیمی در ملاحظه با دعوی مطروحه در داخل دریای خزر داشت و برای حفظ توان نفوذش در همه بخشهای دریا و منابع موجود در آن ادعا می‌کند که تقسیم بستر دریا ضروری نیست. ایران مدعی است که اگر فقط یکی از کشورهای ساحلی مخالف اکتشاف در فلات قاره باشد اکتشاف باید متوقف شود. کشمکشهای منطقه برای توسعه منابع انرژی منطقه خزر که نیازمند همکاری بین کشورهای ساحلی و منطقه‌ای برای کمک به تشویق و ترویج بیشتر ثبات و امنیت در منطقه می‌باشد در علاقه‌مندی و مشارکت در ترقی روزافزون اقتصادی آینده کشورها اثر می‌گذارد همان‌طوری که ثبات سیاسی در خلیج فارس این اثر را دارد.

مباحث زیست محیطی: افزایش تولید در منطقه خزر آلودگی را به‌طور قابل ملاحظه‌ای در دریا و تنگه بسفر افزایش می‌دهد. اگرچه سرریز نفتی زیادی یا تصادفات دیگری رخ نداده باشد، لیکن، ترافیک تانکرهای نفتی بدیهی است و به موازات آن تصادفات در منطقه بسفر هم افزایش یافته و هر دو مسأله محیط زیست منطقه و زندگی اهالی استانبول را متأثر می‌نماید. روزانه حدود ۶۰ کشتی با حمل تولیدات مخاطره‌آمیز از میان تنگه عبور می‌کنند. قوانین به اجرا گذاشته شده ترکیه برای استفاده دقیق‌تر از بسفر در شرکت‌های حمل و نقل و کشتی‌های حامل تانکر گاز نتیجه‌بخش بوده است. ولی به نظر می‌رسد تأخیر در حمل و نقل افزایش یابد. جریان انتقال نفت از نوروسیسک بیشتر از دوبرابر شده است. همچنین اگر نفت قزاقستان از طریق نوروسیسک صادر شود تراکم تردد در تنگه بسفر عامل بالقوه فاجعه زیست محیطی را افزایش می‌دهد. انتخاب خطوط لوله‌ای که با گذرگاه فرعی از تنگه دریای سیاه عبور کنند خطرات زیست محیطی را کاهش می‌دهد.

تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران: مانع انتخاب خط لوله از مسیر ایران تحریم اقتصادی تحمیلی ایالات متحده است. تحریم‌ها آثار ناگواری بر همه کشورهایایی که امید به مشارکت در نفت و گاز خزر دارند خواهد گذاشت. ایالات متحده هر تلاشی را برای دلسرد کردن دولت‌های جدید آسیای مرکزی جهت عدم تحقق توافقنامه‌ها با ایران، و مهمتر از همه

صادرات نفت و گاز از مسیر ایران (شمال - جنوب) به خلیج فارس انجام می‌دهد. محور سیاست جاری دولت ایالات متحده در مقابله با ایران در موضعگیری‌های زیر می‌باشد:

- ایران از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کند.

- ایران توانایی‌های نظامی‌اش را توسعه می‌دهد و از توسعه سلاح‌های کشتار جمعی

حمایت می‌کند.

- ایران با روند صلح اسرائیل و اعراب مخالفت می‌ورزد.

- ایران نیروی سیاسی غیرمتوازن در منطقه را به نمایش می‌گذارد.

قانون تحریم‌های ایران - لیبی مسایل متعددی را برای سیاست‌های ایالات متحده ظاهر

می‌سازد:

- اتهام‌های راجع به ایران بسیار اغراق‌آمیز بوده است. شواهد کمی وجود دارد که ایران

اهداف تجاوزکارانه را در خلیج فارس پرورش یا پناه می‌دهد. هرچند ایران اخباری به دست آورده

است که کشورهای عرب حوزه خلیج فارس توانایی‌های موشکی شبیه ایران دارند. در حقیقت،

ایران هزینه‌های معتنا بهی به خاطر مسایل مالی متحمل شده است. آرایه حمایت‌های مالی

ایران به گروه‌های افراطی اتهام‌های اخیر ایالات متحده در مسئولیت مستقیم ایران است. ادعای

تردیدآمیز در اقدامات تروریستی مشخص است.

- بعضی جنبه‌های سیاست ایالات متحده با روش‌های معمول حقوق بین‌الملل و

همان‌طور توافقات معین تناقض دارد. هیچ قانون یا مأخذ اخلاقی برای سودجستن از حمایت

سازمان ملل برای اعمال تحریم وجود ندارد. کوشش‌های ایالات متحده برای سود جستن از

حمایت‌های دیگر کشورها نه فقط ناموفق همچنین بیگانگی بیشتر قوی‌ترین متفقین آمریکا را

موجب شده بود. با اعمال فشارهای اخیر ایالات متحده به متحدین دیرینه خود و وعده‌هایی

برای جبران منافع اقتصادی آنها در ایران موضع‌گیری آنها دستخوش تحولات منفی شده است.

- سیاست جلوگیری از توسعه‌طلبی دو کشور^۱ ایران و عراق کارا نیست. ایالات متحده

اساس تحریم‌ها را به‌طور فراگیر پذیرفت. اگرچه جامعه بین‌الملل با تحریم عراق موافقت نمود

ولی تلاش‌های ایالات متحده برای به انزوا کشاندن ایران بی‌فایده بوده است مگر این که سیاست‌های آن تغییر یابد.

- تحریم‌های علیه ایران همچنین از توان ایالات متحده برای حمایت و شرکت در توسعه کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی سابق جلوگیری کرد. ایالات متحده دعوی کشورهایی که واقعاً مستقل و کمتر به روسیه تکیه دارند را دارد. همچنین این ادعا اهمیت منطقه‌ای و بین‌المللی منابع دریای خزر را تحت الشعاع قرار داده است. هرچند ایالات متحده از کشورهایی که نمی‌خواهند خطوط لوله از روسیه بگذرد طرفداری می‌کند و مورد ملاحظه قرار دادن مسیر ایران را با کمترین هزینه رد می‌کند.

- موضعگیری تند کنونی ایالات متحده این واقعیت را نادیده می‌انگارد که ثبات سیاسی انقلاب ایران زیان ندیده است. نفت به جریان خود ادامه می‌دهد و اقتصاد ایران همچون سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا متحمل زیان می‌گردد.

- گرفتاری‌ها و اثرات شدید تحریم یک‌جانبه ایران - لیبی: طبق نظر محققان مؤسسات بین‌المللی اقتصاد ایالات متحده از موارد مطروحه زیر متحمل زیان می‌شود:

۱. تأخیر در سرمایه‌گذاری جدید در حوزه‌های نفت و گاز ایران؛
۲. تحمیل هزینه‌ها به شرکتهای ایالات متحده و کارکنانی که به‌طور طبیعی برای فروش تولیدات با دیگران رقابت می‌کنند؛
۳. برانگیختن تیرگی روابط اروپا - آمریکا (و تحمیل هزینه به‌منظور جلب نظر اروپا برای حمایت از سیاست‌های ایالات متحده)؛
۴. فقدان تغییرات مهم در سیاست ایران؛
۵. پیچیدگی سیاست خارجی آمریکا.

اول و اغلب تحریم‌های آمریکا علیه ایران به خود ایالات متحده آسیب می‌رساند که موجب ضررهای ناشی از بیکاری در آن کشور و افزایش قیمت منابع انرژی است. همچنین شرکتهای نسبتاً ناراضی به نظر می‌آیند زیرا موضوع سیاسی تحریم‌ها این هزینه‌ها را توجیه نمی‌کند موضعگیری فعلی ایالات متحده برای حفظ منافع دیگرش در منطقه خزر است که باید به سمت یک سیاست بنیادی اشتغال‌زا تغییر جهت دهد.

اهمیت ایران: استفاده از ایران به عنوان یک مسیر صادراتی برای منابع انرژی خزر بهره‌برداری از منابع را به‌طور مطلوبی بالا خواهد برد و مشارکت آنها می‌تواند اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی را توسعه دهد. هدف ایالات متحده در به‌انزو اکشانندن ایران، سودمندی این منابع را برای اقتصاد آسیای مرکزی کاهش خواهد داد. ایران تلاش می‌کند منافعش را در آسیای مرکزی با توسعه دادن همکاری‌هایش رشد دهد و این کشور در حال حاضر مذاکرات را با ترکمنستان و قزاقستان شروع کرده است. ایران باید بازیگر مهمی در توسعه منطقه خزر باشد.

نتایج محتمل

تصمیم اخیر ایالات متحده مبنی بر صرف‌نظر کردن از اعمال دومین مرحله از تحریم‌ها علیه شرکت‌هایی که در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند شرکت‌های آمریکایی را از توسعه انرژی آسیای مرکزی عقب‌نشاند و به حاشیه رانده است. تحریم‌های آمریکا تأثیری مخالف جریمه شدن برای مشارکت‌کنندگان اروپایی که از معاملات با ایران سود برده‌اند، دارد. زیرا در حال حاضر شرکت‌های اروپایی در بازار ایران حضور دارند. احتمالاً شرکت‌های آمریکایی و متعاقباً کارگزاران آمریکایی احساس خواهند کرد اثرات سوء تحریم‌ها تا آینده طولانی بجا ماند، حتی اگر این تحریم‌ها بیدرنگ برچیده شوند. حال آن‌که توافقات اقتصادی ایالات متحده در کل درآمد ناخالص ملی، جزئی و نامعین است. با هزینه شرکت‌ها و صنایع خاص تحقیقات مهمی توسط مؤسسه‌های اقتصادی و بین‌المللی در مورد «هزینه داخلی»^۱ تحریم‌های یک‌جانبه محاسبه می‌شود. تحریم‌های ایالات متحده تحولات مورد نظر آنان را در ایران ایجاد نکرده است. هرچند انتخاب آقای خاتمی نمایانگر سطحی از نارضایتی از سیاست‌های داخلی است. خاتمی نشانه‌هایی از سیاست درهای باز اقتصادی را نشان داده است همچنانکه وارد گفتگو با ایالات متحده شده است.

مباحث سیاست داخلی اروپا: اهداف صریح و مستقل ایالات متحده از سیاست مقابله با ایران کاهش حمایت از ترور بسم - کنترل و منع سلاح‌های کشتار جمعی و فراهم نمودن

1. Domestic Cost

همکاری ایران با روند صلح خاورمیانه است. عموماً به نظر سیاست‌سازان ایالات متحده ایران تهدیدی برای جامعه بین‌المللی است و از نظر آمریکا، تهران بزرگترین مسئول توسعه تروریسم بین‌المللی است و به طور بالقوه دغدغه توسعه سلاحهای کشتار جمعی را دارد.

بر همین اساس، کنگره و وزارت امور خارجه برای تجدیدنظر در سیاست ایالات متحده در برقراری رابطه با ایران اکراه نشان می‌دهند. بنابراین علامتهای نشان داده شده توسط آقای خاتمی، رئیس‌جمهور ایران، توجیه‌گشودن درهای گفتگو با مذاکرات را افزایش می‌دهد. مباحثی که برای ایجاد حسن تفاهم به منظور توسعه استراتژی اعمال فشار بر وزارت خارجه جهت گفتگو با ایران و اجازه دادن به شرکتهای آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خط لوله نیاز خواهد بود شامل:

- فقدان حمایت کنگره برای یک گفتگوی رسمی با ایران؛

- اطلاعات ضعیف و تعصب‌آمیز آمریکا از ایران و سیاستهای آن؛

- درک ناکافی آمریکایی‌ها از اهمیت ایران در منطقه خزر؛

- حقیقت این که پنتاگون و دیگر مدیران امنیت ملی هنوز به تقابل ایالات متحده و ایران

جهت می‌دهند؛

- عدم اعتماد متقابل بین ایران و ایالات متحده.

ه) استراتژی جامع

موضوع استراتژی موردنظر متقاعد کردن دولتمردان ایالات متحده برای حمایت از مسیر خط لوله ایران است. اولین قدم باید پیگیری سطح اجرایی جهت رها کردن تحریم اقتصادی ایالات متحده باشد. بخش نفت نیازمند است مقامات دولتی ایالات متحده را برای تجدیدنظر در تحریم‌های ایالت متحده و سیاستهای اجرایی که منجر به تثبیت روابط ایران و ایالات متحده می‌شود، ترغیب نماید. استراتژی شامل دو موضوع کوتاه و بلندمدت می‌باشد. استراتژی کوتاه‌مدت صرفنظر کردن از تحریم‌ها برای اجازه دادن به شرکتهای ایالات متحده که

تمایل به ایجاد امکان جابجایی^۱ نفت با ایران را دارند می‌باشد. استراتژی بلندمدت پیگیری حذف کلی تحریم‌های اقتصادی دولت ایالات متحده است. مباحث زیر استراتژی داخلی را بسط می‌دهد که شامل چهار شبه‌استراتژی (استراتژی ساختار ائتلاف، استراتژی قانونگذاری، استراتژی رسانه‌ها و استراتژی گفتگو برای نزدیک شدن به هدفهای بعدی) می‌باشد. ایجاد ائتلاف بین‌المللی و استراتژی رسانه‌ها همچنین استراتژی نگرش جدید ایالات متحده در روابط با ایران باید فراهم گردد.

استراتژی داخلی

استراتژی ساختار ائتلاف

- ائتلاف برای توسعه انرژی خزر (CCED)، از شرکتهای بزرگ آمریکایی که در منطقه خزر فعالیت می‌کنند، همچنین اتحادیه گروههای صنعتی و تجاری منتخب تشکیل شده است. - موضوع ائتلاف برای توسعه انرژی خزر، ترغیب دولت و کنگره برای حمایت از این هدف قریب‌الوقوع خواهد بود.

- ائتلاف برای توسعه انرژی خزر، از سیاستهای تعدیلی حمایت می‌کند، چنانچه تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران پایان نپذیرد.

- ائتلاف برای توسعه انرژی خزر، به‌طور مشخص جهت افزایش آگاهی‌های بین‌المللی و ملی از این تحریم‌ها تلاش می‌کند.

- ائتلاف برای توسعه انرژی خزر، برای ارتقای سطح آگاهی‌ها در جهت اعمال فشار به سیاستهای دستگاه اجرای ایالات متحده در مقابل ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. نهادهایی که به دولت آمریکا نزدیک خواهند بود شامل وزارت انرژی کشور، وزارت حمل و نقل، وزارت تجارت و دفاتر نمایندگی می‌باشند.

- ائتلاف برای توسعه دریای خزر قانونی را طرح و توسعه خواهد داد که دولت جهت توسعه صنعت نفت آمریکا در بلندمدت از تحریم‌ها صرف‌نظر کند.

ائتلاف اعضای خود را فقط به صنعت نفت محدود نخواهد کرد بلکه سایر صنایع مثل

1. Swapping

کشاورزی که علاقه دارند تغییراتی را در روابط ایران - ایالات متحده ببینند خواهد پذیرفت. صنعت نفت ایالات متحده منابع کافی برای اقدام به شکل دادن ائتلاف دارد. زیرا اکثریت عناصر ائتلاف مانند شرکتهای نفت و گاز، تولیدکنندگان و سازمانهای وابسته به آن برای تحقق این امر بودجه کافی اختصاص می‌دهند. در سطح وسیع ائتلاف با دیگر بخشها به کمک مالی و به برداشتن تحریمها کمک خواهند کرد. ائتلاف به‌طور نزدیکتر با دیگر بنیانگذاران اصلی ائتلاف مثل علاقه‌مندان آمریکایی که به مطالعه مبحث تحریمهای یک‌جانبه مشغولند که شامل مفاهیم تحریمهای تجاری و مالی می‌شود.

- ائتلاف برای توسعه انرژی خزر اقدام به شناسایی صنایع دیگری که به تحریمها علیه ایران پیوسته‌اند، نموده است.

اعضا: شرکتهای، اتحادیه‌ها و نهادهای زیر به عنوان اعضای بالقوه ائتلاف مورد نظر خواهند بود: اتحادیه نفت ایالات متحده - انجمن تولیدکنندگان ایالات متحده؛ شرکت موبیل^۱ (اخیراً با اکسون^۲ ادغام شده است) مؤسسه نفت خام آمریکا؛ شرکت شورون^۳ ایالات متحده نامزد ائتلاف؛ مؤسسه خطوط لوله نفت اکسون؛ سازمان تجهیزات نفت بی بی - آموکو^۴؛ شرکت تکراکو^۵ نفت شل^۶؛ یونیکال^۷ سان - اریکس^۸؛ پنزویل^۹؛ آرکو^{۱۰}؛ انرون^{۱۱}؛ نفت خام فیلیپس^{۱۲}.

گروههای دیگر: همچنین، ائتلاف احتمال افزایش دخالت اتاق بازرگانی ایالات متحده را در درازمدت پیگیری خواهد کرد. هدف ائتلاف جهت دادن عضوگیری به دیگر بخشهای صنعتی که همچنین تحریمهای ایالت متحده علیه ایران را اعمال کرده‌اند، خواهد بود. گروههای کشاورزی و برای مثال علاقه‌مند به معامله با ایران هستند. تصمیم اخیر ایالات متحده تعدیل تحریمها در فروش تولیدات کشاورزی برای تشویق گروههای کشاورزی است که در جهت تلاشهای ما مفید می‌باشد.

1. Mobil
3. Chevron
5. Texaco
7. Unical
9. Pennzoil
11. Enron

2. Exxon
4. BP. Amoco
6. Shell
8. Sun - oryx
10. Arco
12. Philips

اعضای مرکزی: تعداد ۹ شرکت اعضای مرکزی ائتلاف در ایالات متحده را شکل می‌دهند. بنابراین اغلب این شرکتها حقوق و بودجه ائتلاف را پرداخت خواهند کرد. مقدار دریافتی برای هر شرکت برابر و از اعضای جدید همان مقدار اخذ خواهد شد. اعضای مرکزی تعدادی را برای پذیرفتن مسئولیت متقاعد کردن نمایندگان مجلس از حوزه‌های مربوط به خودشان به‌علاوه از رؤسای جمهور و ارگانهای نفتی خزر انتظار می‌رود قبل از آن که کنگره حمایت در خور توجه از اعضا نماید آنها را تأیید نمایند. وزارت تجارت آمریکا، شرکتهای صنعتی و دیگر گروههای ذینفع برای تولید تحقیقات و تحلیلهای حمایتی از ائتلاف برای توسعه انرژی خزر درخواستی را به کنگره خواهند داد.

کارکنان: ائتلاف کمیته‌ای برای اداره کردن تأسیس می‌کند که در ایجاد همه ابعاد ائتلاف مسئولیت خواهد داشت و یک نفر به‌طور تمام وقت برای سازماندهی و فعال کردن وظایف به کار خواهد گرفت. کارمندان خبرنامه مربوط به ائتلاف را خواهند نوشت و مسئولیت نظارت بر عملکرد ائتلاف و رابطه بین همه شرکتهای اصلی تشکیل دهنده ائتلاف و حمایت از اعضا را برعهده خواهند داشت.

استراتژی قانونگذاری

- متقاعد کردن سیستم اجرایی و مجلس قانونگذاری که روابط ایران و آمریکا را تثبیت کنند.

- متقاعد کردن دولت ایالات متحده برای تعدیل یا اصلاح قانون تحریم‌های جاری علیه ایران برای ورود اعضای ائتلاف جهت پیگیری توسعه خط لوله از مسیر ایران.

- متقاعد کردن مسئولین آمریکا مبنی بر این که ایران یک کشور مهم و بانفوذ در دریای خزر است.

- متقاعد کردن مسئولین آمریکا مبنی بر این که انتخاب خط لوله از مسیر ایران بهترین انتخاب به هر سه دلیل کوتاهی مسافت و مسایل زیست محیطی و هزینه انتقال است.

- استراتژی قانونگذاری در مورد دو مفهوم کشور و دولتهای ملی تمرکز می‌کند. اولین گام شکل دادن یک گروه کاری برای توسعه سیاستهای پیشنهاد شده و یک گروه ارتباطی که با

اعضای کنگره و مسئولین اجرایی ملاقات کننده می‌باشد. سپس، گروه کاری با دستاوردهای گروه ارتباطی آماده کردن قانون حذف تحریم‌ها برای شرکت‌های نفتی را شروع خواهد کرد. همچنین گروه‌ها یک جعبه اطلاعات را برای حفظ حمایت کنگره و اطلاعات در خور مسئولین دولتی آماده می‌نماید. جعبه اطلاعات شامل اطلاعات زیر خواهد بود:

۱. گزارش هیأت دولت و نامه به همکاران گرامی؛

۲. نقشه همه مسیرهای خط لوله احتمالی؛

۳. جدولی که شامل کلیه اطلاعات مربوط به ظرفیت خط لوله، مالیات‌ها - تعرفه‌ها و

هزینه تخمینی پروژه و غیره خواهد بود؛

۴. مطالعات موردی انجام شده به وسیله سرمایه‌گذاران بالقوه خط لوله از مسیر ایران.

جنبه دیگری از مدارک که روی تحریم‌ها علیه ایران تمرکز می‌کند موضوعات زیر را شامل می‌شود:

(الف) مطالعه مؤسسه‌های اقتصاد بین‌المللی روی تحریم‌های یک‌جانبه؛

(ب) تحلیل سود و زیان شرکت‌هایی که از معامله با ایران منع شده‌اند؛

(ج) تهیه گزارش منافع حاصل از تثبیت روابط ایالات متحده با ایران.

برقراری ارتباط با کنگره آمریکا: هر عضوی از ائتلاف مسئول برقراری ارتباط با یکی از

اعضای کنگره ایالات متحده خواهد بود. این وظیفه شامل فعالیت‌های زیر خواهد بود:

- ملاقات‌های حوزه‌ای: اعضای ائتلاف با مسئولین کنگره‌ای و دولتی منتخب هر ایالت

برای توضیح اهداف ائتلاف ملاقات خواهند کرد.

- فعالیت‌های ارتباط‌سازی: اینها شامل برقراری مکاتبات و مکالمات تلفنی برای نفوذ در

کنگره می‌شود. دیگر فعالیت‌های ارتباط‌سازی شامل:

- ترغیب اعضای حامی در کنگره برای نوشتن نامه به دیگر اعضای کنگره تحت عنوان

«همکار گرامی».

- متقاعد کردن مطلوب کمیته‌های کنگره و گروه‌های زیرمجموعه آنها برای حرف‌شنوی

از انتخاب مورد نظر ائتلاف.

اهداف ویژه برای فعالیت‌های ارتباط‌سازی شامل:

- متقاعد کردن دولت و مجلس برای پذیرفتن گفتگو با ایران.
- فشار وارد آوردن بر دولت و کنگره برای مورد تأمل قرار دادن اثرات خسارت‌بار تحریم یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و لیبی.

- سود جستن از حمایت برای اصلاح قانون اجرای تحریم‌ها
- سود جستن از حمایت برای تحدید چشم‌پوشی از منافع تجار آمریکایی در توسعه منطقه خزر.

- ترغیب دولت برای دعوت از یک هیأت ایرانی به ایالات متحده یا به یک کشور ثالث بی‌طرف.

- ترغیب دولت برای حمایت از انتخاب ایران به‌مثابه یک مسیر خط لوله پیشنهادی جایگزین.

استراتژی رسانه‌ای: موضوع اصلی ما در استفاده از رسانه‌ها نشان داد خسارت سیاست‌های تحریم بیشتر از حسن آن به خاطر برخورد منفی آن با تجارت آمریکا است و موضوع دوم تغییر تصور آمریکایی‌ها از ایران و مردم ایران است. ائتلاف می‌تواند نشان دهد که نظر منفی آمریکا از ایران فقط یک تعصب نیست بلکه یک خسارت بزرگ است.

ائتلاف، برای توسعه انرژی دریای خزر از همه وسایل ارتباط جمعی موجود در امر ایجاد میدان دید بزرگتر از خطوط لوله‌ای که برای صنعت نفت آمریکا مهم است استفاده خواهد کرد. برای طرح استراتژی رسانه‌ای باید با دقت عمل کرد چنانچه افکار عمومی آمریکا فکر نکنند که عملکرد ائتلاف به‌مثابه حمایت از تروریسم است. ائتلاف باید متضمن شود که رسانه‌های آن این پیام را منتشر کنند که تولیدکنندگان نفت درباره تروریسم، توسعه سلاح‌های کشتار جمعی نگرانند.

ائتلاف باید تأکید کند که منافع آن منافع تجارت و کارگران آمریکایی است. همچنین ائتلاف باید از رسانه‌ها برای اهداف زیر استفاده کند:

- روشن کردن این موضوع که چگونه اعمال تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران بر اقتصاد، اشتغال و قدرت رقابت آن فشار وارد می‌نماید.
- اطلاعاتی که نشان بدهد چگونه شرکتهای آمریکایی فرصتهای مهمی را در مقایسه با

شرکتهای اروپایی و آسیایی که در منطقه خزر و ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند از دست می‌دهند. - اطلاعاتی که سرمایه‌گذاری آمریکا در منطقه خزر را نشان بدهد و این که چگونه مسیرهای انتقال اخیر امکانات بالقوه منطقه را محدود می‌کند. - روشن ساختن تحولات مثبت اخیر در ایران شامل انتخاب دموکراتیک ریاست جمهوری آقای خاتمی.

- روشن ساختن اهمیت استراتژیک منطقه خزر و نقش ایران در آن منطقه. - هرچند موضوع توسعه منابع خزر جلب توجه نمی‌کند. مباحث ایران و تحریم‌های یک‌جانبه می‌تواند از نظر منفعت عمومی و گروه‌های قومی جلب توجه کند. موضوع تحریم‌ها باید در سطح ملی مورد بحث قرار گیرد. به عنوان بخشی از استراتژی جامع رسانه‌ها، ائتلاف خواهان انجام کنفرانس خبری به منظور اعلام تشکیل ائتلاف برای توسعه منابع انرژی خزر که در واشنگتن منعقد می‌گردد.

- ایراد سخنرانی در مورد مباحث مطروحه فوق. - شرکت در بحث‌های تلویزیونی در مورد ایران و مباحث خط لوله. - مطرح کردن موضوع در روزنامه‌ها و مجله‌های پرتیراژ مثل واشنگتن پست - وال استریت ژورنال، فاینشال تایمز و اکونومیست.

اخبار ملی، تلویزیون و رادیو. ۱. آغاز بحث آرام در مورد ایران از طریق اظهارات، مقاله‌های سردبیر و اخبار منطقه‌ای. ۲. ارائه مصاحبه‌های رادیو تلویزیونی با محققان در مورد تحریم‌های یک‌جانبه، دریای خزر و ایران.

۳. ارائه گزارش‌هایی در این خصوص به نشریات مربوط به منطقه خزر و ایران، فرهنگ آنها و تحولات سیاسی مثبت.

۴. آغاز مباحثه بین متخصصین بانفوذ، کسانی که موافق و مخالف تحریم‌ها هستند. ۵. آغاز برنامه‌های تلویزیونی که استادان روزنامه‌نگاران و نهادهای غیرمنتفع با هم ملاقات و دربارهٔ منافع متقابل ایران و ایالات متحده بحث کنند.

۶. کار با مؤسسات نفتی آمریکا و دیگر اتحادیه‌ها تجاری، مجله‌ها و غیره.

فعالیت‌های بدون چشمداشت

- کار با روزنامه‌ها و تلویزیون‌های ملی و محلی جهت اطلاع‌رسانی عمومی دربارهٔ ایران و مباحث کلیدی محاط بر دو منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز.

- ابتکار یک گفتگوی عمومی در میان نهادهای انرژی خزر و قایم‌مقام‌های شرکت‌های نفتی صنایع وابسته و مسئولین منتخب در مورد مسایل نقل و انتقال در منطقه خزر و تصمیم‌گیران سیاسی. تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه به‌عنوان ابزار سیاست خارجی آمریکا. - نوشتن مقاله‌ای چندقسمتی و ادامه‌دار برای روزنامه‌ها مانند نیویورک تایمز.

شرکت در استراتژی گفتگوی دولتی: استراتژی گفتگو منافع مختلف همهٔ گروه‌ها و انتخاب راه شرکت‌ها را به تفصیل بیان می‌کند. بنابراین، آنها می‌توانند دولت ایالات متحده را به سمت تعدیل و نهایتاً حذف تحریم‌ها علیه ایران سوق دهند. هرچند گفتگوها به‌طور غیررسمی در وقت معین انجام می‌شود. لیکن ائتلاف نیاز به آمادگی تا آن زمان خواهد داشت. با شناسایی مخالفین، منافعشان و این که انتخابشان چه هست، با شناسایی ترجیحی همه این عناصر است که ائتلاف بهترین مسیر را پیش‌روی دولتمردان گذاشته و تعیین خواهد کرد.

گزینه احداث خط لوله اصلی صادراتی (باکو - جیحان) که در دست اقدام می‌باشد صرفاً یک مبارزه سیاسی است و از نظر تجاری سودمند نیست.

بهترین مسیر خط لوله از مسیر ایران است که به خاطر تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و شرکت‌های آمریکایی نمی‌توانند مشارکت در آن داشته باشند. در حال حاضر شرکت‌های اروپایی و آسیایی در معاوضهٔ نفت با ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند و شرکت‌های ایالات متحده این موقعیت‌ها را از دست می‌دهند.

نتیجه مرجح صنعت نفت ایالات متحده: با توسعه مثبت اخیر در ایران، صنعت نفت ایالات متحده خواهان متقاعد کردن دولت ایالات متحده جهت پیگیری یک سیاست ساختاری با ایران و شروع به برداشتن گام‌هایی کوچک روبه جلو در روابط دو کشور است. نتیجه مرجح در بلندمدت مشاهده لغو تحریم‌ها و در کوتاه‌مدت فراهم نمودن زمینه صرفنظر از تحریم‌های یکجانبه ایالت متحده علیه ایران - لیبی است تا شرکت‌های آمریکایی بتوانند منابع انرژی دریای خزر را تولید نموده و توسعه دهند. بهترین چاره یا گزینه برای صرفنظر کردن کامل از تحریم‌ها

برای شرکتهای نفتی وادار کردن دولت ایالت متحده برای:

۱. اجازه به کمپانی‌ها برای گفتگو و رشد موقعیتهای تجاری با ایران و تکمیل این اقدامات در لغو تحریم‌ها است. این کار توسط شرکتهایی که مجوز گفتگو برای پروژه‌های تجاری داشتند در وضعیتی مشابه که با میل مغرط ویتنام در سال ۱۹۹۴ تحریم‌ها برداشته شد می‌تواند انجام شود.

۲. اجازه به شرکتهای آمریکایی برای تبادل انرژی با ایران.

ایالات متحده نفت خام ترکمنستان را از مسیر دریای خزر و سپس به وسیله قطار به دریای سیاه انتقال می‌دهد. این مسیر با تأخیرهای زیاد و ریسک زیست‌محیطی فراوان همراه است. ۳. امتیاز شرکتهای ایالات متحده لغو محدودیت استفاده از تجهیزات ایران در خزر است. این شرکتهای دور راه دارند. اول، شرکتهای ایالات متحده نمی‌خواهند از انرژی با اهمیت خزر محروم شوند. دوم صرفاً آنها توسط بعضی شرکتهای شریک در عرضه انرژی از مسیر ایران استفاده می‌کنند.

متحدین

- سرمایه‌گذاران آمریکایی در منطقه خزر؛

- اتاق بازرگانی آمریکا؛

- شرکتهای دیگر و بخشهای صنعتی مثل کشاورزی که از موقعیتهای جدید در ایران بهره‌مند می‌شوند؛

- ائتلاف‌های ایجاد شده مثل دخالت ایالات متحده که با بخش تحریم‌های ایالات متحده مربوط می‌شود؛

- شرکتهایی که در حال حاضر جزو متحدین ایالات متحده هستند؛

- شورای ملی تجارت خارجی؛

- دولت‌های خارجی، شامل قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و روسیه، انتخاب خطوط

لوله آنها (چون شرکتهای ایالات متحده برای بیشترین میزان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آنها حساب باز می‌کنند اگرچه این دولت‌ها نمی‌خواهند دولت ایالات متحده را برنجانند، بنابراین، از تلاش‌های ائتلاف حمایت نمی‌کنند).

نکات مورد گفتگو: صنعت نفت ایالات متحده بایر بر این نکته تکیه کند که تحریم‌ها به موارد توسعه سلاحها و تروریسم مربوط می‌شود که بی‌اثر هستند و تنها شرکت‌های نفتی، کارکنان و رقابت اقتصادی ایالات متحده از آن صدمه دیده است. همچنین صنعت نفت ایالات متحده باید خاطر نشان کند که چشم‌پوشی‌های اخیر از تحریم‌های ثانوی موقعیت نسبی آنها را نسبت به رقبای اروپایی و آسیایی در منطقه خزر ضعیف‌تر کرده است.

نکات مکمل دیگری باید اضافه شود:

- ایران یک بازیگر مهمی در منطقه خلیج (فارس) و خزر است؛

- ادامه انزوای ایران فشار منفی بر توسعه منطقه خزر خواهد گذاشت؛

- خط لوله‌ای که نفت منطقه را به بازارهای آسیای انتقال دهد مورد نیاز است؛

- منافع مسیر ایران مهم‌تر از زیانهای آن است. مسیر ایران از نظر تجاری سودمند و از نظر

زیست‌محیطی به نسبت دیگر مسیرها مخاطرات کمتری را در بر دارد. در حالی که این مسیر به

نسبت دیگر مسیرهایی که از مناطق بی‌ثبات عبور می‌کند. از امنیت کامل برخوردار است.

- صنعت نفت ایالات متحده باید اجازه یابد گام‌های تجاری بردارد که وابسته به برداشتن

گام‌های مثبت به سمت ایران می‌باشد. صنعت نفت ایالات متحده باید اجازه مشارکت در

ترتیبات اجرای پروژه‌های ایرانی داشته و اجازه استفاده از تجهیزات ایرانی در دریای خزر را

داشته باشد؛ همچنانکه ترکمنستان از دکل حفاری ایران استفاده می‌کند.

معیارهای واقعی:

- مطالعه رسمی امکان‌سنجی قابلیت تجاری انتخاب مسیر از مسیر ایران؛

- فهرست شرکت‌های اروپایی و آسیایی که در پروژه‌های ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند؛

- اطلاعات آماری از سودمندی بالقوه این سرمایه‌گذاری‌ها؛

- اطلاعات دربارهٔ تصمیم اخیر صدور مجوز توافقنامه تجاری آمریکا برای فروش کالا.

بهترین گزینه برای توافق در مذاکرات:

- سرمایه‌گذاری در دیگر مسیرهای خط لوله؛

- پیگیری عملکرد حقوقی علیه دولت ایالات متحده؛

- اقدام به تحمیل مجدد تحریم‌ها در سطح بین‌الملل برای محدود کردن رقبای خارجی که موافق خط لوله از مسیر ایران هستند؛

- خارج کردن سرمایه‌گذاری‌ها از منطقه خزر.

استراتژی یا راهکار بین‌المللی: این راهکار برای ایجاد حمایت وسیع از دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های تجاری در سطح بین‌المللی در امر متقاعد کردن دولت ایالت متحده برای تغییر سیاست کنونی پیش روی طراحی می‌شود، نهادهایی که می‌توانند به موضوع رسیدگی و به تسریع تلاش‌ها برای حل مجدد آن کمک کنند.

راهکار روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده: دخالت آمریکا و دیگر گروه‌ها گواهی از فشارهای ناشی از تحریم‌ها علیه ایران را فراهم کرده‌اند. دولت آمریکا به طور کامل از عواقب منفی تحریم‌ها علیه ایران آگاهست که آثار بسیاری بر چشم‌انداز توسعه منابع غنی انرژی منطقه خزر می‌گذارد. به روشنی نشانه‌های مثبتی از سوی رئیس‌جمهور خاتمی نشان داده شده و وقت آن رسیده که ایالات متحده شروع به گفتگو با ایران نماید. اگر ایالات متحده به منزوی کردن ایران ادامه دهد به‌طور محتمل به منافع آسیب خواهد رساند.

اقدام‌های مورد نیاز زیر توصیه می‌شود:

ائتلاف برای توسعه انرژی خزر، نقش رهبری در ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی برای توسعه اقتصادی منطقه خزر خواهد داشت. دو کشور از کشورهای منطقه خزر شامل گرجستان و ترکیه اعضای گروه مزبور شده‌اند. عضوهای بالقوه دیگر، شرکت‌های نفتی بین‌المللی شامل توتال، شل آلمان، لوک اویل، پتروناس، بریتیش گاز و الف هستند. به علاوه ائتلاف بین‌المللی برای توسعه اقتصادی منطقه خزر باید نمایندگان اتاق بازرگانی ایالات متحده واقع در منطقه خزر را هم به عضویت بپذیرند. ائتلاف بین‌المللی برای توسعه اقتصادی منطقه خزر باید فعالیت‌های زیر را انجام دهد:

۱. کار برای نفوذ در دولت ایالات متحده جهت گرفتن مجوز ساخت خط لوله از مسیر

ایران؛

۲. فشار بر ایالات متحده برای اصلاح قوانین مربوط به تحریم‌ها؛

۳. متقاعد کردن ایالات متحده بر این که خط لوله از مسیر ایران بهترین انتخاب است حداقل تا تحقق احداث خط لوله اصلی شرق.

ابتکار یک مبارزه رسانه‌ای در سطح بین‌الملل: موضوع نخست این راهکار ایجاد آگاهی عمومی از نیاز به تغییر روابط منفی با ایران در درازمدت است. این کارزار تبلیغاتی نخست در مورد قشر تحصیلکرده درباره روابط ایران و ایالات متحده، ارزیابی این روابط و موضعگیری اخیر ایران تمرکز خواهد کرد. به علاوه، این کارزار تأکید خواهد کرد که فشارهای منفی و خسارت‌بار تحریم‌های یک‌جانبه، اقتصاد و اشتغال ایالات متحده را متأثر می‌نماید. اقدامات زیر باید انجام شود:

۱. برپایی یک کنفرانس خبری برای اعلام ایجاد ائتلاف بین‌المللی برای توسعه اقتصادی

منطقه خزر؛

۲. بیان خبرهای برجسته و چاپ آن.

منافع

۱. ادامه مخالفت با سیاستهای ایران، حمایت آن از تروریسم و تولید سلاحهای کشتار

جمعی

۲. حمایت از ترکیه (متحد ایالات متحده) به دلیل حمایت از توسعه خط لوله باکو -

جیحان

۳. تشویق بخش خصوصی و نهادهای مالی برای هزینه ساخت خط لوله باکو - جیحان

حق انتخابها

۱. اجازه به شرکتهای آمریکایی برای مشارکت در احداث یک خط لوله از مسیر ایران ایرانی به مثابه ابزاری برای تسهیل انتقال انرژی خزر و دسترسی به اکتشاف و توسعه نفت و گاز ایران؛

۲. متعهد شدن به یک «گفتگوی سازنده» با ایران، با هدف ورود به رابطه رسمی؛

۳. برداشت گامهای میانه که راه را پیش‌روی روابط اشکارتر ایران و ایالات متحده باز

خواهد کرد و می‌تواند مجوز مأموریت مشخص و معین از سوی آمریکا برای راه یافتن به ایران و هدایت تجزیه و تحلیل موقعیت سیاسی و وضعیت کامل این کشور را صادر کند و یک هیأت ایرانی را به ایالات متحده دعوت نماید.

واشنگتن باید:

۱. نظرش را دربارهٔ ایران وسعت داده و به توسعه مثبت در این کشور پاسخ دهد؛
۲. به برداشتن گام‌های کوچکی که می‌تواند به یک گفتگوی رسمی بینجامد، اقدام نماید؛
۳. ارسال پیام‌های مثبت به مردم ایران با استفاده از همهٔ ابزارهای ممکن، شامل مصاحبه‌های رادیو - تلویزیونی؛
۴. تغییر در سیاست صدور ویزای ایالات متحده برای مردم ایران؛
۵. دعوت از متخصصین مسایل ایران و منطقه خزر و شروع به بحث‌های تلویزیونی آنها و ارایه اطلاعات کوتاه؛
۶. تأسیس برنامه تبادل نظر برای دانشجویان و استادان؛
۷. سخنرانی دربارهٔ رویدادهای تاریخی، شامل کودتای ۱۹۶۳، نقش ایالات متحده در انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ میلادی در ایران و بحران گروگانگیری.
۸. واگذاری مجوزهایی به شرکتهای ایالات متحده برای ورود به فعالیتهای تجاری با ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی